

تحلیل آماری بازتاب عناصر طبیعت (گیاهان وجانوران) در اشعار عنصری و مقایسه آن با اشعار منوچهری

دکتر محمد فولادی

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

دکتر منصور ابراهیمی

دانشیار دانشگاه قم (گروه زیست شناسی)

چکیده

در این مقاله عناصر طبیعت در اشعار دو تن از شاعران مهم سبک خراسانی، عنصری بلخی و منوچهری دامغانی بررسی شده است. برای این کار ابتدا این عناصر در اشعار عنصری، براساس ده مدخل و با تاکید بر عنصر گیاهان و جانوران، تعریف، و براساس نرم افزار آماری spss استخراج و تحلیل آماری، و سپس این عناصر با اشعار منوچهری مقایسه شده است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که تقریباً در همه ابیات منوچهری و عمده ابیات عنصری دست کم یکی از عناصر طبیعت هست و این امر اهتمام ویژه این شاعران را به طبیعت و محیط زیست نشان می‌دهد. گلها و گیاهان و پرندگان و جانوران نیز بازتاب گسترده‌ای در شعر این شاعران دارد. در میان پرندگان، بلبل در شعر هر دو شاعر بسامد بیشتری دارد ولی پرندگان در شعر منوچهری از تنوع بیشتری برخوردار است. در میان حیوانات اهلی نیز اسب و پیل و شتر و در میان حیوانات غیر اهلی شیر، بیشترین کاربرد را دارد که در متن مقاله به تحلیل این کاربردها پرداخته شده است. **کلیدواژه‌ها:** شعر فارسی کلاسیک، سبک خراسانی، شعر عنصری بلخی، شعر منوچهری دامغانی، عناصر طبیعت در اشعار فارسی.



۱. مقدمه

ایرانیان از دیرباز به طبیعت علاقه داشته‌اند و بزرگترین عید باستانی ایران عید نوروز نیز با عناصر زیست محیطی و طبیعت گره خورده است. ایرانیان حتی در زمان هخامنشیان، باغها و پردیسهایی به نام «پئیری دئزه» داشته‌اند و این موضوع در نوشته‌های گزنفول در کورش‌نامه نمایان است به گونه‌ای که لیزاندر نیز از باغ کورش در سارد بازدید کرده است و توصیفی اعجاب‌آمیز از آن دارد. هم‌چنین توصیف «لردکرزن» از باغهای شیراز نیز بیانگر توجه ایرانیان به مظاهر طبیعت است. (رنگچی، ۱۳۷۳: ص ۲۸ و بیست و دو). در دیگر کشورها نیز عناصر طبیعی، اهمیت خاصی دارد؛ مثلاً ژاپنی‌ها و چینی‌ها به گل عشق می‌ورزند و هر سال عیدی به نام عید گل برپا می‌کنند و نزد یونانیها نیز درخت زیتون مظهر صلح و صفا است. هم‌چنین در یونان، فلورا، الهه گل و بهار و رب‌النوع نشاط و زندگی و زنده دلی در داستانهای اساطیری یونان به‌شمار می‌رفته، و بنا به باور یونانیان این الهه موجب سرسبزی و خرمی دشتها و دمیدن گیاهان و گلها و طراوت باغها و چمنها می‌شده است. هم‌چنین هر درخت را فرشته‌ای به نام «هامادرایاد» نگهداری می‌کند. که در داخل آن درخت پنهان است (پیشین: ص هفت).

در باورها و عقاید دینی جهان نیز توجه به مظاهر طبیعت قابل توجه است. در اسلام به بهره‌گیری از طبیعت و سبزه سفارش شده است. در قرآن به برخی از عناصر زیست محیطی مانند زیتون، طین، سوگند خورده، و به برخی دیگر نیز اشاره شده است؛ مانند کوه طور، نمل (مورچه)، نخل و عنب (انگور)، نحل (زنبورعسل) و دیگر مظاهر طبیعت. پیروان آیین مسیح (ع) نیز در شب یلدا به درخت کریسمس توجه ویژه‌ای دارند (پیشین: هفت). در باورهای دینی ایران باستان نیز برخی مظاهر طبیعت مانند آتش مقدس شمرده می‌شود و برخی گیاهان مانند هوم و مهر گیاه نیز جنبه تقدس داشته است. موبدان و مغان زردتشی عصاره و شربت این گیاه را سحرگاهان می‌نوشتند و سپس به خواندن کتاب مقدس اوستا می‌پرداخته‌اند. در آتشکده‌ها درخت انار کاشته می‌شده است (فره و شی، ۱۳۸۳: ۳۵ و ۳۶). سرو کاشمر دست‌نشانده زردشت است. زردشت خود از حامیان جدی حقوق حیوانات بوده است و آیین قربانی کردن گاو و گوسفند در مقابل خدایان، که پیش از او در آیین مهری بسیار مرسوم بود، توسط او منع شده است (همان، ص ۳۵ و ۸۴ و نیز: رنگچی: شش). برخی حیوانات مانند شیر نیز در آیین مهری، مورد توجه خاص بوده؛ زیرا شیر نمادی از نیروی آناهیتا، فرشته باروری و آب بوده است و

تحلیل آماری بازتاب عناصر طبیعت (گیاهان و جانوران) در اشعار...

در پرستشگاه‌های ناهید عموماً چند شیر نگاهداری می‌شده و در بسیاری از بخشهای سرزمین ایران، تندیسهای شیر فراوان بوده و هنوز هست (فره‌وشی، ۱۳۸۳: ۵۴ و ۵۵). در ادبیات پیش از اسلام نیز شعری به زبان پارتی یا پهلوی اشکانی سروده شده که منظومه‌ای است مفاخره‌آمیز میان بز و نخل که هر یک فواید خود را برای دیگری بیان می‌کنند که در این مناظره نیز دو طرف از عناصر زیست‌محیطی است. (تفضلی، ۱۳۸۳: ۲۵۶).

۲. نگاهی گذرا به سیر بازتاب طبیعت و عناصر آن در شعر فارسی از آغاز تاکنون

ادبیات و شعر عموماً و فارسی بویژه از همان آغاز با محیط‌زیست و عناصر طبیعت مانند گلها و گیاهان و پرندگان و جانوران و آب و باران و سایر عناصر در ارتباط بوده و عمده اجزای تشکیل‌دهنده خیال شاعرانه از طبیعت اطراف شاعر گرفته شده و قوانین طبیعت با نگاه هنرمندانه شاعر کشف و بیان می‌شده است. به گفته الیزابت درو: «شعری که از طبیعت سخن بگوید در همه اعصار مورد نظر شاعران بوده، اگرچه نوع آن به اختلاف ذوق هر دوره و حساسیت شاعران متفاوت بوده است» (شفیعی، ۱۳۸۰: ص ۳۱۸). حتی در شعرهایی با مضمونهای غنایی و عاشقانه، تصاویری که برای چهره معشوق انتخاب می‌شود، برگرفته از عناصر طبیعت مانند مورد و بید و سرو و میوه‌هایی مانند سیب و بهی است (شفیعی، ۱۳۷۲: ص ۳۱۰ و ۳۱۱). نخستین شعرهای فارسی که باید پیدایش سبک خراسانی نیز همراه است با عناصر طبیعت رابطه نزدیکی دارد و این دوره شعری را از آغاز پیدایش تا پایان قرن پنجم هجری باید شعر طبیعت خواند؛ زیرا با اینکه طبیعت، همیشه از عناصر اولیه شعر در هر زمان و مکانی است و هیچ‌گاه شعر را از طبیعت به معنی وسیع کلمه نمی‌توان جدا کرد، شاعران فارسی در این دوره، آفاقی و برون‌گرا و عینیت‌گرا بوده‌اند و به طبیعت و مظاهر آن آفاقی می‌نگریستند نه انفسی و شاعران مانند نقاشی دقیق همت خود را مصروف نسخه‌برداری از طبیعت می‌کردند (همان: ۳۱۷). تصاویر شعر سبک خراسانی، موجودات خارجی و واقعیات حسی را تجسم می‌بخشد و عقل به آسانی آن را درک می‌کند. دو طرف تصویر از امور حسی گرفته شده و براساس رابطه قیاس، شباهت، ملازمت، مقابله، تقارن و تضاد با هم پیوند می‌خورند (فتوحی، ۱۳۸۶: ص ۶۳). در شعر قرن ششم، تجربه‌های شعری خیالی‌تر می‌شود و بتدریج با ظهور تشبیه‌های عقلی و خیالی و استفاده فراوان شاعرانی چون خاقانی و

نظامی از استعاره، ساختار تصاویر پیچیده‌تر، و همین عامل باعث دشواری و پیچیدگی شعر آنان نیز می‌شود. دوره بعدی همراه است با ظهور شعر عرفانی و شاعرانی چون سنایی و عطار و مولوی. تصاویر شعری به وسیله این شاعران به ماورای واقعیت و عوالم روحانی و متافیزیکی می‌پردازد و تصاویر، وظیفه بیان عوالم روحی عمیق شاعر را ایفا می‌کند. با ظهور این نوع شعر در کنار صنایعی دیگر، صنایعی همچون حس‌آمیزی، تمثیلهای رمزی و نمادها و سملها گسترش می‌یابد و زبان شعر را رازناک و پیچیده می‌کند. در سبک دوره بعد یعنی سبک هندی، شعر با تصاویر تو در تو و نازک خیالی‌های فراوان همراه و به پیچیدگی زبان منجر می‌گردد؛ ولی این پیچیدگی از نوع شعر عرفانی نیست؛ زیرا در شعر عرفانی پیچیدگی به دلیل عمق اندیشگی و بیان مفاهیم ماورا طبیعی است، ولی در شعر این سبک، پیچیدگی تصاویر بیشتر به دلیل مسائل بلاغی است و تصاویر پارادوکسی و تراکم استعاره و تشبیه به ایجاد تصاویر دور از ذهن منجر می‌شود. در دوره مشروطه و در سبک بازگشت، تصاویر نیز مانند سایر عناصر شعری، تکراری و فاقد نوآوری و ارزش هنری است. در شعر دوره معاصر به دلیل تغییر وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و آشنایی با ادبیات مغرب زمین و ترجمه آثاری از آن دیار، گرایشهای جدیدی در زمینه تصویر پدید آمد و شاعران تحت تأثیر مکاتب ادبی اروپا مانند رمانتیسم، ناتورالیسم، سمبولیسم و سورریالیسم، افقهای تازه‌ای را بر روی تصاویر شعری گشودند. شاعران این دوره از نماد، تمثیل رمزی، تشبیهات خیالی، حس‌آمیزی، پارادوکس و تلمیحات اساطیری در خلق تصاویر بهره گرفته‌اند (فتوحی، ۱۳۸۶: ۶۷ و ۶۳ و ۳۷۱؛ پورنامداریان، ۱۳۷۷: ۲۰۶).

۳. سبک خراسانی، منوچهری، عنصری بلخی و طبیعت

از جمله شاعران مهم سبک خراسانی که به طبیعت پرداخته و به شاعر طبیعت معروف شده‌اند، منوچهری دامغانی شاعر قرن پنجم هجری است (وفات: ۴۳۲ ه. ق). (صفا، ۱۳۸۱: ۵۸۰). اهمیت منوچهری در این موضوع تا حدی است که با گذشت قرنهای متمادی از زندگی او، هنوز بزرگترین شاعر طبیعت‌گرا و طبیعت سرای شعر فارسی به شمار می‌رود و به عنوان شاعر چیره‌دست طبیعت لقب گرفته است. در دیوان هیچ شاعری این همه گل لطیف و پرنده نغمه سرا نام برده نشده است (دبیرسیاقی ۱۳۷۴: ۱۲ و یوسفی، ۱۳۶۹: ۶۲). ویژگی دیگر در سبک منوچهری، جلوه‌گری طرب و شادی

تحلیل آماری بازتاب عناصر طبیعت (گیاهان و جانوران) در اشعار...

مخصوص در شعر اوست؛ در تمام دیوانش یک لفظ اندوهگین و یک عبارت غمناک نیست؛ شادمانی و بهجتی که از طبع او فرو می‌چکد، باعث شده است برخلاف فرخی، شادی حال را با غم احتمالی فردا تباہ نسازد، گرچه نغمه طرب‌انگیز او را، مرگ نابهنگام در جوانی ناتمام می‌گذارد (زرین کوب ۱۳۷۶: ۶۸ و دبیر سیاقی: ۱۳۷۴: ۱۲).

پرسی که مطرح است و در همین جا باید بدان پرداخت این است که خاستگاه تصاویر شعری او از کجاست و با زیستگاه او چه تناسبی دارد. برای پاسخ بدین پرسش باید به سیر زندگی او دقت کرد. دوره زندگی منوچهری را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۱- زندگی در زادگاه خود: دامغان و تجربه شبهای صاف و پرستاره کویر و زنگ کاروانهایی که از ری و بغداد به قصد خراسان می‌رفتند. این خاطرات در شعر او در توصیف کاروان و شتر، شب و ستاره و بیابان نمود می‌یابد. به گفته زرین کوب: «آنچه در توصیف بیابانهای خشک و گرم در برخی قصاید دیده می‌شود، آفریده وهم و پندار نیست. شاید در آن توصیفهای تقلیدی از شاعران عرب را در نظر داشته اما رنگ و گونه محلی در آنها بارز است. این دشتها و بیابانهای سخت و هولناکی که وصف می‌کند، گاه موی بر اندام انسان راست می‌کند؛ بسا که در اطراف کومش و دامغان رهگذار شاعر بوده است و بارها رنج و سختی جان او را به لب آورده است... خاطره اقامت در ری و کناره‌های دریای آبسکون نیز در توصیفهایی که از زیباییهای البرز و دامنه‌های سرسبز و شاداب شمال آن کرده است، انعکاس دارد (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۶۰). ۲- زندگی در گرگان و طبرستان: این دوره عشق به طبیعت را در منوچهری افزون می‌کند و در تصویر آفرینی طبیعت در شعر او بسیار مؤثر است. ۳- ورود به دربار مسعود و شهر غزنین: با توجه به اینکه از سوی مسعود برخلاف پدر، بسیار شعر دوست بود و از سوی دیگر دربار غزنین در این زمان فر و شکوه گذشته را از دست داده، و آن دلاوریهای آشکار و پرسروصدا جای خود را به توطئه‌های خاموش و نهانی داده بود به جای پرخاشجوییها و بلند پروازیهای جهانگیرانه، نوشخواریها و عشرتجوییهای پنهانی جریان داشت. از این رو شاعران به سیاست کمتر علاقه می‌ورزیدند و منوچهری جوان نیز کمتر وارد دسته‌بندیهای دربار می‌شد و شاعر طرب، شراب و طبیعت بود. در این وجدان آرام و عشرتجویی، عشق به زندگی از هر عشق دیگر قویتر بود و این عشق در سراسر اشعار او موج می‌زند. این موضوع از توصیف گلها و مرغها و میوه‌ها در شعر او محسوس است (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۵۶ تا ۶۰ و امامی، ۱۳۷۹: ۵ و ۶).

همان‌گونه که گذشت، او با سلطان مسعود معاصر بوده است و مسلماً قبل از سال ۴۲۶ که مسعود به گرگان و طبرستان بیاید به خدمت او پیوسته؛ به مدح او اشتغال ورزیده است (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۱۳۵-۱۳۴). منوچهری لقب خود را پس از ورود به دربار فلک المعالی منوچهر بن قابوس بن وشمگیر زیاری از پادشاهان گرگان و طبرستان کسب کرد. او پس از مرگ فلک المعالی به ری رفت و در آنجا در دستگاه خواجه طاهر دبیر از خاصان دستگاه سلطان مسعود راه یافت. به گفته فروزانفر هنگامی که مسعود در سال ۴۲۰ به ری رفت، منوچهری را به دربار خود فرا خواند و پس از آن به دربار سلطان مسعود راه یافت و در سایه عنایت‌های او در غزنه، ساز و تجمل فراوان یافت.

از دیگر شاعران نامی سبک خراسانی، ابوالقاسم حسن بن احمد عنصری بلخی، سرآمد سخنوران پارسی در دربار سلطان محمود غزنوی و سپس سلطان مسعود است. او نیز مانند منوچهری و دیگر شاعران این سبک در وصف طبیعت اشعار نغزی دارد. منوچهری دامغانی در قصیده معروف خود (لغز شمع) درباره او این‌گونه سروده است:

اوستاد اوستادان زمانه عنصری
عنصرش بی‌عیب و دل بی‌غش و دینش بی‌فتن

او در شهر بلخ متولد شده، آنگونه که ازقراین و شواهد برمی‌آید خاندان عنصری از تمکن و تنعم برخوردار بوده‌اند، به شعر و ادب بسیار علاقه‌مند بوده است. وفات او نیز در ۴۳۱ اتفاق افتاده است (صفا، ۱۳۸۱: ص ۵۵۹).

عنصری در آغاز سلطنت محمود توسط برادرش امیر نصر بن ناصرالدین به دربار وارد شد و مرتبه بلند یافت؛ در مجلس سلطان محمود، منصب ندیمی و شاعری داشت و در سفر در زمره ملتزمان رکاب بود و در فتوحات هندوستان، بدره‌ها و برده‌های فراوان یافت و ملک‌الشعرا لقب یافت و فتوحات سلطان محمود را در هند و ترکستان و خراسان و ری منظوم ساخت (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۱۱۷). عنصری حدود ۴۰ قصیده در مدح محمود و دو قصیده در مدح مسعود دارد (عنصری، ۱۳۶۳: بیست‌وسه). همان‌گونه که از احوال زندگی او پیداست، علاوه بر تجربیات و مشاهداتی که در زادگاه خود، بلخ، داشته است به همراه ممدوح خود به دیگر شهرها و کشورها نیز سفر کرده و با دیدن مناظر و رخدادهای گوناگون، تجربه‌های بسیار و گوناگونی برای توصیف و تصویر آفرینی در شعر به دست آورده و آنها را در قصاید خود بازتاب داده است.

تحلیل آماری بازتاب عناصر طبیعت (گیاهان و جانوران) در اشعار...

۴. پیشینه تحقیق

گرچه به دلیل اهمیت و جایگاه این دو شاعر در ادب فارسی و تصویر پردازی طبیعت در اشعار آنان از دیر باز به این شاعران توجه شده است و به تناسب موضوع بدان پرداخته‌اند به این شیوه و به شکل، بررسی دقیق و جزئی و بررسی آماری عناصر طبیعت، پیش از این بررسی نشده است. از جمله مهمترین بررسی‌هایی که در این باره شده است می‌توان به این موارد اشاره کرد: شفیع‌کدکنی در کتاب صورخیال، زرین‌کوب در کاروان حله، دبیرسیاقتی در مقدمه دیوان منوچهری و عنصری و گزیده اشعار منوچهری، فروزانفر در سخن و سخنوران، صفا در تاریخ ادبیات، امامی در مقدمه گزینش و شرح اشعار، فتوحی در بلاغت تصویر، یوسفی در چشمه روشن، شمیسا در سبک‌شناسی و محجوب در سبک خراسانی در شعر فارسی، عربی نژاد در تصویر طبیعت در دیوان شاعر ساحر منوچهری، شیخلو در وصف طبیعت در سبک خراسانی، جلالی در توصیف شب و روز در اشعار منوچهری؛ اما همان‌گونه که مشاهده می‌شود بررسیها بیشتر با نگاه کلی، و آمار و تحلیل آماری بدین شیوه ارائه نشده است. باید یادآور شد که نگارندگان این مقاله، بررسی آماری عناصر طبیعت در اشعار منوچهری را در مقاله دیگری بررسی کرده‌اند (فولادی، ۲۰۰۹: ص ۱۳۹-۱۳۲). با توجه به مطالب یاد شده در این مقاله در پی آن هستیم که بازتاب عناصر طبیعت و زیست محیطی را با محور پرندگان و جانوران، در شعر یکی از شاعران برجسته این دوره و سبک خراسانی، یعنی عنصری بلخی بررسی، و آن‌گاه آن را با اشعار منوچهری دامغانی مقایسه کنیم که او نیز از مهمترین شاعران طبیعت‌گراست.

۵. روش کار

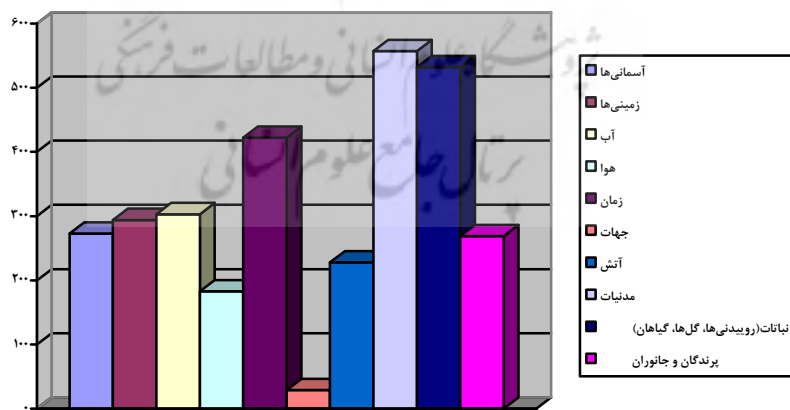
در ابتدا ده مدخل اصلی شامل آسمانی‌ها، زمینی‌ها، آب، جهات اربعه، هوا، زمان، آتش، رویدنی‌ها، جانوران و مدنیات تعیین، و در هر مدخل عناصر مربوط به محیط‌زیست مشخص شد. (نمودار شماره ۱). از دیوان اشعار به‌جا مانده از عنصری، تمام اشعاری که دارای حداقل یکی از عناصر طبیعت بود، فیش برداری شد. در مرحله بعد یک بانک اطلاعاتی کامپیوتری^۱ طراحی، و هر فیش (شامل یک بیت شعر) براساس مدخل اصلی و مدخلهای فرعی زیست‌محیطی تعیین شده وارد بانک اطلاعاتی گردید. از آنجا که عناصر زیست‌محیطی در شعر عنصری بسیار زیاد بود در بیشتر فیشهای ورودی بیش از یک عنصر زیست‌محیطی انتخاب شده است.

در مرحله بعد با جستجو در بانک اطلاعاتی ابتدا مدخلهای اصلی و سپس تمام مدخلهای فرعی از نظر تعداد مشخص، و نتایج آنها استخراج گردید. در مرحله بعد با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسبت به تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری همچون Anova اقدام شد. نتایج، دسته‌بندی، و به صورت جدول و نمودار ارائه شد.

۶. نتایج اولیه بررسی آماری

در این بخش تنها به ارائه گزارش آماری عناصر طبیعت، و در بخش بعدی به تحلیل آماری آن پرداخته می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی از ۳۳۳۵ بیت شعر عنصری، ۲۲۴۹ بیت (۶۷٪) دارای حداقل یکی از عناصر زیست محیطی مورد مطالعه در این تحقیق بوده است. البته با توجه به اینکه در برخی ابیات بیش از یک مورد یافت شده و مجموع یافته‌ها به ۳۰۹۰ مورد می‌رسد به طور نسبی ۹۲٪ خواهد شد. یافته‌های عناصر زیست محیطی در ده مدخل اصلی در اشعار عنصری بدین گونه است: آسمانی‌ها (۲۷۳ مورد)، زمینی‌ها (۲۹۴)، آب (۳۰۳)، هوا (۱۸۳)، زمان (۴۲۲)، جهات (۲۹)، آتش (۲۲۸)، مدنیات (۵۵۷)، نباتات (رویدنی‌ها، گل‌ها، گیاهان) ۵۳۲، و پرندگان و جانوران (۲۶۹).

نمودار شماره ۱: (ده مدخل اصلی عناصر طبیعت براساس دیوان عنصری)



یافته‌ها بیانگر این است که در مدخل آسمانی‌ها از مجموع ۲۷۳ مورد، بیشترین و کمترین عناصر زیست محیطی به ترتیب با ۱۲۶ مورد به صورت فلکی و ۱۷ مورد به نزولات آسمانی اختصاص دارد در حالی که ۶۲ مورد به بارش و موضوعهای وابسته و ۷۸ مورد به آسمان و تعبیرات آن اختصاص داشته است. در مدخل زمینی‌ها از مجموع ۲۹۴ عناصر زیست محیطی، بیشترین و کمترین به ترتیب با ۱۰۲ و ۱ مورد به معدنیات و انواع سنگها و زلزله و موضوعات وابسته اختصاص دارد و مابین آنها به ترتیب کوه و موضوعات وابسته (۶۹)، زمین و تعبیرات آن (۶۷). و بیابان و موضوعهای وابسته (۴۹) قرار می‌گیرد.

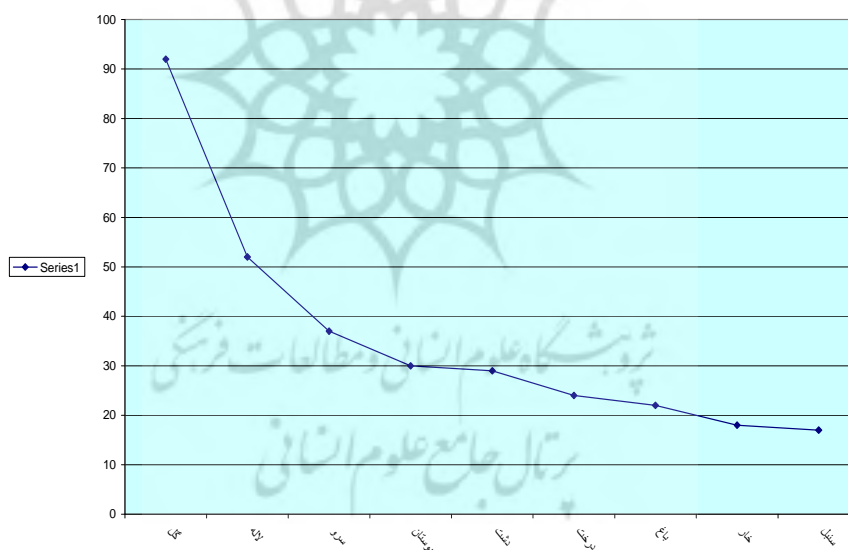
در مدخل آب از مجموع ۳۰۳ مورد به ترتیب ۱۹۹ مورد به آب و تعبیرات وابسته، مکانهای جوشش و روان شدن آب (۲۲)، دریا و موضوعات وابسته (۶۹)، و ریزآبها (قطره، شبنم، ژاله) (۱۳) و خشکیهای وابسته به دریا مانند ساحل، جزیره و... در مرحله بعدی قرار دارد.

در مدخل هوا از مجموع ۱۸۳ مورد، (۱۶۱) به هوا و تعبیرات آن (۱۹) به حالات هوا و نهایتاً (۳) به انواع بادها تعلق دارد. در مدخل زمان در مجموع (۴۲۲) مورد کاربرد داشته است که زمان و تقسیمات کلی مانند دهر، زمان، زمانه، سال با ۱۶۲ مورد، زمان و تقسیمات جزوی مانند صبح، ظهر، شب و روز با ۱۳۶ مورد، فصلها و ماهها با ۱۰۳ مورد و جشنها و عیدها با ۱۳ مورد در مدخل زمان قرار می‌گیرد. در مدخل جهات در مجموع ۲۹ مورد بوده است که مغرب ۱ مورد و مشرق ۱۵، شمال ۲، باختر ۳، خاور ۴، و شرق ۳ مورد قرار دارد. در مدخل آتش در مجموع ۲۲۸ مورد کاربرد وجود داشته که آتش و تعبیرات آن ۱۸۰، جلوه‌های آتش ۳۴، مواد سوختنی ۹ و ریز آتشنا ۳ مورد بوده است. در مدخل مدنیات در مجموع ۵۵۷ مورد بوده است. بیشترین و کمترین به ترتیب با ۱۸۵ و ۲ مورد به ابزار پرستش و لوازم آرایش تعلق دارد و مابین آنها به ترتیب آلات و ابزار جنگ (۱۱۳)، خوشبوکننده‌ها (۱۰۰)، مکانها (۴۴)، ابزار حمل و نقل (۲۶)، رنگها (۲۲)، زیورآلات (۱۹)، خوراکیها (۱۵)، آلات کتابت (۱۰)، پوشیدنیها (۹)، پرده‌ها و الحان موسیقی (۳) قرار می‌گیرد.

در قسمت گلها و گیاهان در مجموع (۵۳۲) مورد از عناصر زیست محیطی به کار رفته است که واژه گل با (۹۲ مورد) و بوستان با بسامد (۳۰ مورد) بیشترین موارد استفاده شده را به خود اختصاص می‌دهد و سپس در مراتب بعدی، راغ و صحرا و

دشت ۳۴ درخت و شجر و جنگل ۲۴ و باغ (۲۲)، چمن ۳، واژه گیا (گیاه) (۱۱ مورد) به کار رفته است. هم‌چنین اجزا و متعلقات گل و گیاه با مجموع (۳۲) مورد کاربرد: برگ با (۱۶) مورد) و تخم ۵ مورد در مرتبه بعدی قرار دارد و سایر اجزا با بسامد کم در مرتبه بعد است. بعد از میان انواع گل، گل لاله و گونه‌های آن مانند لالهٔ نعمان، لالهٔ خودرو و غیره از بیشترین بسامد (حدود ۵۲ مورد) برخوردار بوده است. پس از آن، ارغوان ۱۵ زعفران ۱۶ نرگس ۱۱ بنفشه ۱۱ نیلوفر ۹ شمشاد ۹ گلنار ۳ ریحان ۳ سوری ۳ و موارد دیگر با کاربرد کم در مرتبه بعدی است. در بخش مربوط به درختان و درختچه‌ها در مجموع (۱۰۰) مورد مشاهده شد که کلمه درخت به شکل مطلق ۲۴ مورد و درختان خاص به ترتیب سرو و انواع آن (۳۷) مورد) بیشترین تعداد مورد اشاره را دارد و سپس شمشاد ۹ و عرعر ۸ و صنوبر ۵ و نار ۵ و چنار ۳ و بید ۲ و موارد دیگر با ۱ مورد در ادامه قرار می‌گیرد.

نمودار شماره: ۲ (گل و گیاه در اشعار عنصری)



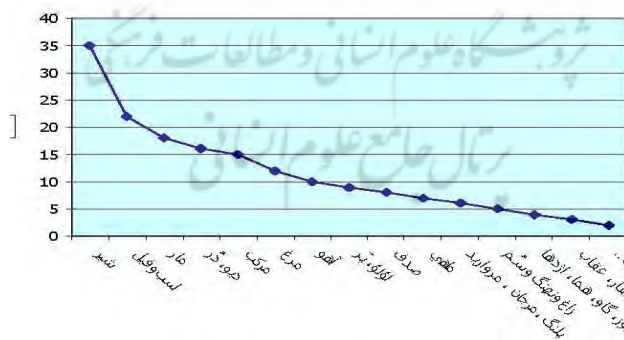
در بخش پرندگان و جانوران نیز مجموعاً (۲۶۹) مورد) به عناصر زیست محیطی اشاره شده و در بخش تعابیر کلی مجموعاً (۲۳) مورد) بوده است که بیشترین اشاره به مرکب و ستور و حیوانات به شکل عام (۱۵) مورد) و سپس کلمهٔ پرنده (مرغ و طایر) بوده

تحلیل آماری بازتاب عناصر طبیعت (گیاهان و جانوران) در اشعار...

(۱۲ مورد) و پرندگان و حیوانات اسطوره‌ای نیز (۲۱ مورد) اشاره شده است: دیو (۱۶) سیمرغ و عنقا (۲) اژدها (۴) و سیمرغ ۱. در مورد اجزا و متعلقات پرندگان و جانوران مجموعاً (۲۱ مورد) و بیشترین بسامد به پر و بال (۹ مورد) بوده و کمترین مورد مربوط به کوهان (۱ مورد) بوده است. در میان پرندگان، کلمه مرغ به شکل مطلق و به معنی پرنده و نیز لفظ پرنده (۱۲) بار بیشترین تعداد را دارا بوده است. پس از آن زاغ و کلاغ (۷) و کبک، باز و هما هر یک (۴) بار، و سپس بلبل و عقاب (۳ بار) و شاهین، گنجشک، کبوتر، حمام، کرکس و واشه هر یک (۱) بار بیان شده است.

حیوانات اهلی در مجموع (۸۶) بار به کار رفته است که تعابیر عام آن مانند مرکب و ستور (۲۰) بار، اسب و مترادفات آن مانند فرس، شب‌دیز، بادپا، سمند، بلق و ادهم (۳۴) بار و سپس پیل (فیل) (۲۲) بار، گاو و گوساله (۵)، اشتر و استر هر یک (۲) و سایر حیوانات با بسامد کم یک مورد در مراتب دیگر است. حیوانات غیر اهلی نیز با مجموع (۱۲ مورد)، شیر و مترادفات آن مانند هزبر و ضرغام با (۴۰) مورد بیشترین و سپس مار (۱۸) ماهی (۸)، پلنگ (۶)، نهنگ (۵)، یوز (۴)، غرم (۳) ببر، گرگ، ریکاشه (خارپشت) هر یک (۲) و سایر حیوانات مانند رنگ (بزکوهی)، سمور، گوزن و غیره هر یک با (۱) مورد در مراتب بعدی است.

مواردی که در این مقاله به عنوان ملحقات به جانداران یاد شده، در (۱۶) و مروارید (۶) و لؤلؤ (۹) و مرجان (۶) و صدف (۸) که در مجموع (۴۵) مورد یافت شده است. نمودار شماره ۳: (پرندگان و جانوران در اشعار عنصری)



تلفیق کتابخانه گنجینه کتبی و دیجیتال، مرکز اسناد و کتابخانه ملی، تهران، ۱۳۸۹

در بررسی آماری این یافته‌ها مشخص شد که بین ده مدخل اصلی از نظر آماری، تفاوت معنی‌داری ($p < 0.05$) هست و همین تفاوت معنی‌دار بین اجزای هر مدخل نیز مشاهده می‌شود که در پی در بخش گیاهان و جانوران، این موضوع بررسی خواهد شد.

۷. بحث و بررسی تحلیلی مهمترین نتایج

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، منوچهری و عنصری از شاعران دوره غزنوی هستند. شاعران در این دوره به طبیعت نگاه ویژه‌ای دارند. یکی از مهمترین ویژگی‌های شعر این دوره، خلق تصاویر بدیع و صورخیال با الهام‌گیری از طبیعت اطراف است. علاوه بر آن روحیه شادباشی و دم غنیمت شماری باعث حاکم بودن شادی و پناه بردن به دامن طبیعت و بهره‌مندی از مظاهر زیبای طبیعی است که این موضوع در شعر شاعران این دوره بازتاب و نمود زیادی داشته است و در تصاویر شاعرانه و مضامین شعری منوچهری و عنصری از عناصر طبیعت مانند انواع گل و گیاه، پرندگان و حیوانات اهلی و غیر اهلی ساخته می‌شود. عناصر طبیعی در شعر آنان نقش فعال و زنده‌ای دارند و باعث تحرک و پویایی در شعر می‌شود

نتایج این بررسی نشان داد که تقریباً در عمده ابیات منوچهری و عنصری حداقل یکی از عناصر زیست‌محیطی وجود دارد. البته توجه منوچهری به این موضوع بیشتر است. این امر اهتمام ویژه این شاعران را به طبیعت و محیط زیست نشان می‌دهد. بیشترین عناصر زیست‌محیطی شعر منوچهری و نیز عنصری به مدخل مدنیات مربوط است که نشان‌دهنده توجه هر دو شاعر به محیط اطراف و نیز زندگی مرفه و پر از نشاط هر دو شاعر و بهره‌مندی از صله‌های دربار محمود و مسعود است. پس از آن بیشترین توجه به گلها و گیاهان شده است و حکایت از آشنایی این شاعران با گل و گیاه و درخت، و نشان از علاقه و انس آنان با طبیعت دارد که پیش ازین بدان اشاره شد. نتایج این مطالعه هم‌چنین نشان می‌دهد که عنصری نیز مانند منوچهری و البته نه به اندازه او (عنصری ۵۳۲ و منوچهری ۷۹۹ مورد)، با گلها و گیاهان عصر خویش و حتی با اجزا و متعلقات آنها آشنا بوده است.

منوچهری در این مورد بیشتر از عنصری به انواع و گلهای خاص توجه کرده، و عنصری بیشتر به تعابیر عام مانند بوستان و گلستان و دشت و راغ توجه کرده است. همان‌گونه که پژوهندگان اشعار منوچهری نیز اشاره کرده‌اند: در دیوان هیچ شاعری

تحلیل آماری بازتاب عناصر طبیعت (گیاهان و جانوران) در اشعار...

مانند منوچهری، این همه گل لطیف و پرنده نغمه سرا نام برده نشده است (دبیرسیاقی ۱۳۷۴: ۱۲ و یوسفی، ۱۳۶۹: ۶۲). با توجه به جایگاه گل لاله در ادبیات فارسی، که مظهر آزادگی، شادی و جام به دست بودن، طرف تشبیه قرار گرفتن برای رخسار یار، داغداری و ایثار و شهادت است، دور از انتظار نیست که در دیوان شاعری، که مظهر شادمانی و بهجت است (زرین کوب ۱۳۷۶: ۶۸ و دبیر سیاقی: ۱۳۷۴: ۱۲)، بیشترین نوع گل به کار رفته، گل لاله و اقسام آن همچون لاله نعمان، لاله خودرو و غیره باشد؛ برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

بشکفت لاله چو عقیقین پیاله‌ها وانگه پیاله هاهمه آکنده مشک ویان

(منوچهری، ص: ۱۸۴)

تا بوستان بسان بهشت ارم شود صحرا زعکس لاله چو بیت الحرم شود

(همان، ۱۸۴)

لاله خود روی شد چون روی بت رویان بدیع

سنبل اندر پیش لاله چون سر زلف دراز

(همان، ۵۵)

لاله تو گویی چو طفلکی است دهن باز لبش عقیقین و قعر کامش اسود

(همان، ۲۲)

در بررسیها مشخص شد که در بخش گلها و گیاهان و رویدنی‌ها، منوچهری، هم به تعبیرات و ترکیبات عامّ مانند بوستان، گلستان، باغ، مرغزار، گلشن، روضه و مانند آن توجه دارد و هم به نام عمومی گل و گلاب و امثال آن می‌پردازد و در تصاویر شعری خود از آنها بهره‌مند می‌شود. کاربرد درخت و مترادفات آن نسبت به گل کاربرد کمتری دارد و این امر زیبایی و جلوه‌گری و تنوع و رنگارنگی گلها نسبت به درختان را می‌رساند. هم‌چنین کاربرد کم گیا (گیاه) قابل توجه است (عنصری ۱۱ و منوچهری ۷ مورد) و دلیل آن این است که گیا در این دوره نه به معنی مطلق رویدنی‌ها بلکه بیشتر به معنی علف هرز است. گل‌های خاصّ در شعر منوچهری و صور خیال او، جایگاه ویژه‌ای دارد که هم به جهت رنگ و بوی خاصّ و نیز زیبایی و جلوه‌ها و نمادهای شعری می‌توانسته است نظر شاعر را جلب کند و باعث خلق تصاویر زیبا و بدیع گردد و حتّی در خدمت مدیحه و قصیده‌پردازی و خلق مضامین مناسب در قصاید باشد. عنصری در این موضوع بیشتر از تعبیر عامّ مانند بوستان و باغ و دشت استفاده کرده، و کمتر به گل‌های خاصّ توجه داشته است؛ نمونه:

تو ابر رحمتی ای شاه زآسمان هنر

همی بباری بر بوستان و شورستان

(عنصری، ص: ۲۴۰)

آب داده بوستانی سبز چون مینا به رنگ

زخم اوهمرنگ آتش بشکفاند ارغوان

(همان، ص: ۲۴۸)

از میان درختان و درختچه‌ها، منوچهری به درخت انگور (رز، تاک) و استعارات مربوط به آن بیشترین توجه را داشته است؛ دلیل آن را در درجه نخست باید در اندیشه شاد و فرحناک منوچهری و سرودن مسمطات خمریه جستجو کرد (یوسفی، ۱۳۶۹: ۶۲ و زرین‌کوب ۱۳۷۶: ۶۸) و سپس آن را از ویژگیهای سبک شاعری این دوره یعنی سبک خراسانی دانست؛ همچنین این دوره تاریخی به دوره‌های آغازین اسلامی تعلق دارد و هنوز باورها و فرهنگ و جشنهای ایران پیش از اسلام و نمودهای آیین زردشتی رواج دارد و نیز دلیل آن را باید در روحیه شادباشی و شادنوشی در شعر این دوره که بازمانده و ادامه شعر عهد سامانی است جستجو کرد (شمیسا، ۱۳۷۶: ۶۶ و ۶۷)؛ نمونه:

سوی رز باید رفتن به صبح

خویشتن کردن مستان و خراب

(منوچهری، ص: ۷)

از دانه انگور بسازید حنوطم

وز برگ رز سبز، ردا و کفن من

(همان، ص: ۷۸)

پس از انگور و تاک، درخت سرو و انواع آن در اشعار منوچهری، بیشترین کاربرد را دارد. عنصری برخلاف منوچهری بیشترین کاربرد را در زمینه درختان، به سرو اختصاص داده است و معلوم می شود آن روحیه شاد و با طراوت منوچهری که در مسمطات او کاملاً نمود دارد، در عنصری نبوده است. کاربرد زیاد درخت سرو به دلیل زیبایی، سرسبزی، راست قامتی آن است؛ ازین روی شاعران در توصیف قامت معشوق از درخت سرو استفاده کرده‌اند (ر.ک: پیوست ۱)؛ نمونه:

چون بنگری به طولش سرو و چنار باشد

گر سرو را زگوهر بر سر شعار باشد

(منوچهری: ۱۹)

بود سرو در باغ و دارد بت من

همی برسر سرو باغی انیقا

(همان، ص: ۶)

ز روی وز بالا و زلف و لبش

خجل شد گل و سرو و مشک و شکر

(عنصری، ص: ۵۱)

ماهی تو اگر بخنددی ماه از ابر

سروی تو اگر ببنددی سرو کمر

(همان، ص: ۳۱۴)

توجه به انواع و اقسام پرندگان و جانوران نیز در شعر هردو شاعر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ اما در شعر منوچهری نسبت به عنصری هم از نظر بسامد (عنصری ۲۶۹ و منوچهری ۴۸۸ مورد) و هم از نظر تنوع، منوچهری از جایگاه بالاتری برخوردار است. این موضوع از انس و علاقه بیشتر منوچهری نسبت به عناصر مربوط به طبیعت و بویژه پرندگان و جانوران و نیز گل و گیاه حکایت دارد. علاوه بر آن منوچهری شاعری تیزبین و آفرینشگر در عرصه تشبیه و تصویر است اما عنصری بیشتر مقلد است و چندان به دنبال کشف افقها و تصاویر جدید نیست. از سوی دیگر عنصری بیشتر، یک شاعری مدیحه سراسر است و همه چیز را در خدمت مدح قرار می‌دهد و قصاید او نیز بیشتر روح حماسی دارد؛ به این دلیل است که قصاید او بیشتر مقتضب است و از تشبیب عاری است برخلاف منوچهری که قصایدش تشبیب دارد و آنها نیز عمدتاً با توصیف بهار و طبیعت و بهار و زمستان و درختان و گلها و پرندگان و ابر و رعد و برق به تصویر می‌کشد (شمیسا، ۱۳۷۶: ۴۴؛ شفیعی، ۱۳۷۲: ۴۷۹ و منوچهری، ۱۳۷۰: ۳۹).

در کاربرد نام پرندگان به شکل خاص، بررسیها نشاندهنده توجه ویژه این شاعران به پرندگان است که در این بین بلبل و مترادفات آن مانند زندواف، عندلیب، هزارستان و هزارآوا، بیشترین کاربرد را دارد و دلیل آن سنت شعری فارسی است که بلبل به دلیل نغمه و آهنگ زیبایش مورد توجه قرار می‌گیرد و علاوه بر آن در تغزلات قصاید و نیز غزلیات، عاشق گل است و کاربرد زیاد گل لازمه‌اش، کاربرد فراوان بلبل نیز هست؛ علاوه بر آن شاعر از نوای خوش بلبل برای مدح ممدوح نیز بهره می‌گیرد؛ نمونه:

بلبل چو سبزه دید همه گشته مشکبوی گاهی سرود گوید و گاه شعرخوان

(منوچهری، ص: ۱۸۴)

بلبل گلو گشاده سحرگاه بر درخت گویی ثنای میرموید کند همی

(همان، ص: ۱۳۶)

همی نشاط کند بلبل اندر او گویی چغانه دارد در کام و در گلو مزمار

(عنصری، ص: ۱۲۱۴)

بلبل همی سراید چون بارید قالوس وقفل ورومی و جالینوس

(همان، ص: ۳۳۷)

پس از بلبل، پرندگانی مانند کبک، فاخته، قمری، طوطی، ماغ، باز، صلصل، هدهد، کلنگ، زاغ، و درآج در رده بعدی قرار می‌گیرند که هر یک به دلیل صدای خوش آنها،

شکل ظاهری و زیبا، نوع رفتار و حرکت موزون و مناسب آنها و نیز نمادهای خاص که هر یک در فرهنگ و ادب ایران زمین دارند مورد توجه قرار گرفته‌اند (ر.ک: جدول ۲ پیوست).

نکته قابل توجه در این بخش تنوع زیاد پرندگان در شعر منوچهری است که حدود ۵۰ نوع از پرندگان به شکلهای گوناگون مورد توجه قرار گرفته است که از علاقه شاعر به پرندگان و جایگاه خاص پرندگان در تصویرسازی شاعرانه حکایت دارد. اما عنصری همان‌گونه که در بخش گلها و گیاهان نیز گذشت، بیشتر از تعبیر عام مانند مرغ و پرنده استفاده، و کمتر به پرندگان خاص توجه کرده است و این نیز از انس کمتر و شناخت کمتر او نسبت به منوچهری با این عناصر زیست‌محیطی ناشی می‌شود.

در میان حیوانات اهلی در شعر هر دو شاعر، اسب و انواع و مترادفات آن مانند گلگون، باره، فرس، رخس، شب‌دیز و براق بیشترین کاربرد را دارد که نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خاص اسب در زندگی آن دوره است و در شعر شاعران و بویژه در شعر منوچهری نیز بازتاب زیادی دارد؛ نمونه:

اسب و اشتر، زر و سیم و جام و عود و مشک ناب

رام‌گیر و برفشان و بر فراز و سوز و سای

(منوچهری، ص: ۱۰۸)

اسب من در شب دوان همچون سفینه در خلیج

من بر او ثابت چنان چون بادبن اندر اندر سفن

(همان، ص: ۸۳)

سوار ایشان بر پشت اسب چونان بود کجا بروید بر تیغ کوهسار شجر

(عنصری، ص: ۱۳۵)

که رانده بود شاهان هزارپیل دمان جز او به دشت هزار اسب و دشت سندپور

(همان، ص: ۱۳۹)

پس از اسب، پیل و شتر مورد توجه است که نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر این حیوانات در زندگی مردم آن زمان و نیز صبغه و رنگ محلی تصاویر شعری آنان است. علاوه بر آن به دلیل موضوع و مضمون مدح ممدوح و بیان شجاعت و دلیری و جنگاوری ممدوح از این حیوانات و نیز حیوانات غیر اهلی مانند شیر و پلنگ، که بیشترین کاربرد را دارد و به منزله ابزار قدرت و دلاوری بوده، استفاده شده است. جانورانی مانند آهو، باز، یوز، پلنگ و شاهین نیز به دلیل توجه درباریان این دوره به شکار

تحلیل آماری بازتاب عناصر طبیعت (گیاهان و جانوران) در اشعار...

و صید از جایگاه خاصی برخوردارند.

همچو باز از خراسان آمدی بر پشت پیل
کاحمد مرسل به سوی جنت آمد بر براق
(منوچهری، ص: ۶۰)

گور سان و شیر زهره یوز تاز و غرم تک
پیل گام و کرگ سینه رنگ تاز و کرگ پوی
(همان، ص: ۱۴۷)

مبارزانش به نیروی پیل وزهره شیر
به پای آهو و کبرپلنگ و قد چنار
(عنصری، ص: ۷۳)

به رزم رام همی کرد رام شیران را
بگسترید همی حق به تیغ حق گستر
(عنصری، ص: ۱۳۷)

به پای پست کندبرکشیده گردن شیر
به دست رخنه کندلاد آهنین دیوار
(همان، ص: ۱۴۵)

ز تانیسر بت آوردی به اشتر
ز روم اکنون صلیب آور به استر
(همان، ص: ۷۱)

نتیجه

۱. نتایج این بررسی نشان داد که تقریباً در عمده ابیات منوچهری و عنصری حداقل یکی از عناصر زیست محیطی وجود دارد. ۲. بیشترین عناصر زیست محیطی در شعر منوچهری و نیز عنصری به مدخل مدنیات مربوط است که نشاندهنده زندگی مرفه و پر از نشاط هر دو شاعر و بهره‌مندی از صله‌های دربار محمود و مسعود است. ۳. منوچهری بیشتر از عنصری به انواع گلها و گلهای خاص ولی عنصری بیشتر به تعبیر عام مانند بوستان و گلستان و دشت و راغ توجه کرده است. ۴. با توجه به جایگاه گل لاله در ادبیات فارسی، که مظهر آزادگی، شادی و جام به دست بودن، طرف تشبیه قرار گرفتن برای رخسار یار، داغداری و ایثار و شهادت است، بیشترین نوع گل به کار رفته، گل لاله و اقسام آن همچون لاله نعمان، لاله خودرو و غیره است که از اندیشه شادباشی و اغتنام وقت این شاعران ناشی می‌شود. ۵. در بخش گلها و گیاهان و رویدنی‌ها، منوچهری، هم به تعبیرات و ترکیبات عام و هم به نام عمومی گل و گلاب و امثال آن می‌پردازد و هم به انواع گوناگون گلها و درختان و درختچه‌ها؛ گرچه کاربرد درخت و مترادفات آن نسبت به گل، کاربرد کمتری دارد. ۶. گلهای خاص در شعر منوچهری و صور خیال او، جایگاه ویژه‌ای دارد که هم به دلیل زیبایی و جلوه‌ها و



نمادهای شعری می‌توانسته است نظر شاعر را جلب کند و هم در خدمت مدیحه و قصیده‌پردازی و خلق مضامین مناسب در قصاید باشد. عنصری در این موضوع بیشتر از تعبیر عام مانند بوستان و باغ و دشت استفاده، و کمتر به گل‌های خاص توجه کرده است. ۷. از میان درختان و درختچه‌ها، منوچهری به درخت انگور (رز، تاک) و استعارات مربوط به آن بیشترین توجه را دارد و دلیل آن روحیه شاد این شاعر و نیز ویژگی سبکی این دوره یعنی توجه به جشنها و فرهنگ ایران باستان و روحیه شادباشی و شادنوشی است. ۸. پس از انگور و تاک، درخت سرو و انواع آن در اشعار منوچهری، بیشترین کاربرد را دارد. عنصری برخلاف منوچهری بیشترین کاربرد را در زمینه درختان به سرو اختصاص داده است و معلوم می‌شود آن روحیه شاد و با طراوت منوچهری در عنصری نبوده است. کاربرد زیاد درخت سرو به دلیل زیبایی، سرسبزی، راست قامتی آن است؛ ازین روی شاعران در توصیف قامت معشوق از درخت سرو استفاده کرده‌اند. ۹. توجه به انواع و اقسام پرندگان و جانوران نیز در شعر هر دو شاعر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ اما در شعر منوچهری نسبت به عنصری هم از نظر بسامد و هم از نظر تنوع از جایگاه بالاتری برخوردار است. ۱۰. در کاربرد نام پرندگان به شکل خاص، بلبل و مترادفات آن مانند زندواف، عندلیب، هزارستان و هزارآوا، بیشترین کاربرد را دارد که به دلیل نغمه و آهنگ زیبایش مورد توجه قرار می‌گیرد. علاوه برآن شاعر از نوای خوش بلبل برای مدح ممدوح نیز بهره می‌گیرد. ۱۱. در میان حیوانات اهلی در شعر هر دو شاعر، اسب و انواع و مترادفات آن مانند گلگون، باره، فرس، رخس و شب‌دیز، دارای بیشترین کاربرد است، که نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه خاص اسب در زندگی آن دوره است. ۱۲. پس از اسب، پیل و شتر مورد توجه بوده که نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر این حیوانات در زندگی مردم آن زمان و نیز تناسب آن با موضوع مدح ممدوح و بیان دلیری و جنگاوری ممدوح از این حیوانات و نیز حیوانات غیر اهلی مانند شیر و پلنگ است، که به منزله ابزار قدرت و دلاوری بوده‌اند. ۱۳. جانورانی مانند آهو، باز، یوز، پلنگ و شاهین نیز به دلیل توجه درباریان این دوره به شکار و صید از جایگاه خاصی برخوردارند.

پی‌نوشت

منابع و مأخذ

۱. آموزگار، ژاله، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران، سمت، ۱۳۷۴
۲. اصغری لفقانی، صادق، *مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام*، سازمان حفاظت محیط زیست و دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸
۳. امامی، نصرالله، *فروغ گل*، جامی، ۱۳۷۹
۴. بنسون، جان، *اخلاق محیط زیست (مقدمات و مقالات)*، ترجمه عبدالحسین وهابزاده، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۶
۵. بوتکین، دانیل، و ادوارد کلر، *شناخت محیط زیست*، ترجمه عبدالحسین وهابزاده، مشهد، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲
۶. بهار، مهرداد، *پژوهشی در اساطیر ایران*، چ ششم، آگاه، ۱۳۸۶
۷. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، *قرآن و طبیعت*، چ دوم، تهران، بعثت، ۱۳۶۱
۸. پورنامداریان، تقی، *خانه ام ابری است*، سروش، ۱۳۷۷
۹. تفضلی، احمد، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، چ چهارم، تهران، سخن، ۱۳۸۳
۱۰. جلالی، مریم، *طبیعت گرایی و توصیف شب و روز در اشعار منوچهری*، پایان نامه دانشگاه آزاد تهران، ۱۳۸۰
۱۱. خراسانی، نعمت الله و اصغر محمدی فاضل، *محیط زیست در تعالیم الهی*، چ دوم، تهران سازمان حفاظت محیط زیست و دفتر نشر، ۱۳۷۸
۱۲. داد، سیما، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چ دوم، تهران، مروارید، ۱۳۷۵
۱۳. دبیرسیاقی، محمد، *تصویرها و شادیهها*، سخن، ۱۳۷۴
۱۴. دیوانی، امیر، *قوانین طبیعت*، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۲
۱۵. رنگچی، غلامحسین، *گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی (تا ابتدای مغول)*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، *باکاروان حله*، علمی، ۱۳۷۶
۱۷. سعیدیان، عبدالحسین، *سرزمین و مردم ایران*، چ دوم، تهران، انتشارات علم و زندگی، ۱۳۸۳
۱۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا، *صور خیال در شعر فارسی*، انتشارات آگاه، چ پنجم، ۱۳۷۲
۱۹. شفیعی کدکنی، محمد رضا، *ادوار شعر فارسی*، سخن، ۱۳۸۰
۲۰. شمیسا، سیروس، *سبک شناسی شعر*، فردوس، ۱۳۷۶

۲۱. شیخلو، سهیلا، *وصف طبیعت در سبک خراسانی*، پایان‌نامه دانشگاه آزاد تهران.
۲۲. صفا، ذبیح‌اله، *تاریخ ادبیات ایران*، چ پانزدهم، فردوس، تهران، ۱۳۸۱.
۲۳. عربی‌نژاد، غلامرضا، *تصویر طبیعت در دیوان شاعر ساحر*، مرشد، ۱۳۸۸.
۲۴. عنصری‌بلخی، ابوالقاسم حسن بن احمد، *دیوان اشعار*، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، چ دوم، انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳.
۲۵. فتوحی، محمود، *بلاغت تصویر*، سخن، ۱۳۸۶.
۲۶. فروزانفر، بدیع الزمان، *سخن و سخنوران*، چ پنجم، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۰.
۲۷. فره‌وشی، بهرام، *جهان فروری*، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
۲۸. کیانی، محمد یوسف، *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
۲۹. محجوب، محمد جعفر، *سبک خراسانی در شعر فارسی*، فردوسی و جامی.
۳۰. مظفریان، ولی‌الله، *فرهنگ نام‌های گیاهان ایران*، چ چهارم، تهران، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۵.
۳۱. منوچهری‌دامغانی، احمد بن قوص بن احمد، *دیوان اشعار*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، زوار، ۱۳۷۰.
۳۲. مومنان، زین‌العابدین، *تحول شعر فارسی*، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۱.
۳۳. یاحقی، محمدجعفر، *فرهنگ اساطیر*، چ دهم تهران، سروش و پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.
۳۴. یوسفی، غلامحسین، *چشمه روشن، علمی*، ۱۳۶۹.
- 36- Fooladi, Mohammad and Mansour Ebrahimi; *Statistical analysis of environmental elements in Manuchihri poems*, Research Journal of environmental toxicology. 2009,3(3):132-139.

پیوست ۱:

۱. جدول گلها و گیاهان در اشعار عنصری

۹۲	گل
۵۲	لاله
۳۷	سرو
۳۰	بوستان
۲۹	دشت

تحلیل آماری بازتاب عناصر طبیعت (گیاهان و جانوران) در اشعار...

۲۴	درخت
۲۲	باغ
۱۸	خار
۱۷	سنبل
۱۶	زعفران و برگ
۱۵	ارغوان
۱۱	نرگس، بنفشه، گیاه
۹	نیلوفر، بیشه، شمشاد
۸	عرعر
۷	چوب و گلستان
۵	تخم، صنوبر، نبات ناز
۴	زریر، عبهر، مرغزار
۳	گلنار، چنار، ریحان، راغ، سوری، چمن
۲	گلزار، بید، معصفر، خرما، خاک، صحرا، هامون، سماروغ، مرزنگوش
۱	خرمن - کاه - مینا - خویلد - سیم - چندن - توز - شعیر - سیسنبر - خوشه - نیل - شکوفه - غنچه، کدو - بان - نارنج، گلبرگ - گلبن، نهال - دانه، نی

۲. جدول پرندگان و جانوران در اشعار عنصری

۳۸	شیر
۲۲	اسب و فیل
۱۸	مار
۱۶	دیو، دُر
۱۵	مرکب
۱۲	مرغ
۱۰	آهو
۹	لؤلؤ، پَر
۸	صدف
۷	ماهی

۶	پلنگ ، مرجان ، مروارید
۵	زاغ و نهنگ و سُم
۴	کژدم، کبک، باز، یوز، گاو، هما، ازدها
۳	غرم، بلبل، بارگی، مور، غزال، ستور، پشه ، منقار، عقاب
۲	شاهین ، کلاغ، نعل، گنجشک، کبوتر، ببر، بال ، ریکاشه، تشرت، آستر، گرگ، عاج، پرنده ، خنگ

